

مقایسه ظرفیت‌های اجتماعی و نهادی توسعه پایدار در شهرهای کرج و قزوین*

زینب آقاعلیخانی - کارشناس ارشد برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، دانشگاه هنر تهران

ناصر برک پور** - عضو هیئت علمی و دانشیار گروه شهرسازی، دانشگاه هنر تهران؛ barakpur@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۱/۱۱/۱۹

تاریخ پذیرش: ۹۲/۵/۱۹

چکیده

با توسعه شهرها و مطرح شدن رویکرد توسعه پایدار، توجه و رعایت اصول پایداری و پیگیری اهداف آن، هرچه بیشتر در برنامه‌ریزی توسعه شهرها مورد توجه قرار گرفته است. از آنجایی که پیمودن این راه بدون آگاهی از وضعیت شهرها در طی مسیر امکان‌پذیر نخواهد بود، سنجش میزان دستیابی به اهداف توسعه پایدار در دستور کار دولت‌ها قرار گرفته است. سنجش میزان پیشرفت پایداری در شهرها از دو بعد اصلی محتوایی و فرایندی قابل بررسی است. بعد محتوایی شامل متغیرهایی است که بر نتیجه نهایی سیاست‌ها تأثیر می‌گذارند و شامل سنجش شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی توسعه پایدار می‌شوند. در مقابل بعد فرایندی شامل ابزار، روش‌ها و فرایندهای مختلفی است که برای دستیابی به سیاست‌های توسعه پایدار مورد استفاده قرار می‌گیرند و به عنوان پشتیبان و محرک توسعه پایدار محسوب می‌شوند. هدف تحقیق حاضر علاوه بر تبیین نظری و تشریح رابطه توسعه پایدار با سرمایه اجتماعی، سرمایه نهادی و ظرفیت‌سازی توسعه پایدار، ارزیابی و مقایسه شاخص‌های بعد فرایندی توسعه پایدار در دو شهر کرج و قزوین بوده است. تکنیک‌های اصلی مورد استفاده برای گردآوری داده‌ها، مصاحبه با مدیران و کارشناسان و استفاده از پرسشنامه بوده است. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز از آمار استنباطی و آزمون معناداری میانگین‌ها و همچنین از روش توصیفی و کیفی استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان دهنده تفاوت معناداری بین متغیرهای سرمایه اجتماعی، سرمایه نهادی و ظرفیت‌سازی در دو شهر و سطح بالاتر آن‌ها در شهر قزوین نسبت به شهر کرج است. بدین ترتیب به نظر می‌رسد که شهر قزوین جهت‌گیری مناسب‌تری در حرکت به سوی توسعه پایدار در مقایسه با شهر کرج دارد.

واژگان کلیدی: توسعه پایدار، سرمایه اجتماعی، سرمایه نهادی، ظرفیت‌سازی، کرج، قزوین.

* این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد زینب آقاعلیخانی به راهنمایی دکتر ناصر برک پور در دانشگاه هنر تهران است که در سال ۱۳۹۱ به پایان رسیده است.
** نویسنده مسئول مقاله

۱. مقدمه

تجمع نیازهای عصر حاضر بیش از هر مکان دیگری در شهرها تجلی یافته است و شهرها مهم‌ترین کانون‌های تحقق توسعه پایدار به شمار می‌روند. با توجه به اهمیت این موضوع، جوامع سعی دارند که هر چه بیشتر اهداف آن را مورد پیگیری و در دستور کار قرار دهند. بدین ترتیب باید از وضعیت کنونی خود، طی مسیری که در این راه پیموده‌اند، آگاهی یابند. از این روی، سنجش میزان دستیابی به اهداف توسعه پایدار مورد توجه آن‌ها قرار گرفته است. از زمان ظهور توسعه پایدار در سال ۱۹۸۷ به دنبال گزارش کمیسیون محیط‌زیست و توسعه سازمان ملل با عنوان آینده مشترک ما که به گزارش برانتلند (Brundtland) مشهور شده است، تحقیقات گسترده‌ای در زمینه سنجش آن با رویکردها و روش‌های گوناگون به انجام رسیده است. پژوهش‌های انجام شده را به طور کلی در دو بخش محتوایی و فرایندی می‌توان دسته‌بندی کرد. بعد محتوایی شامل متغیرهایی است که بر نتیجه نهایی سیاست‌ها تأثیر می‌گذارند و سنجش شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی توسعه پایدار را در برمی‌گیرد. در مقابل بعد فرایندی شامل سیاست‌ها و روش‌ها، فرایندها و ابزارهای مختلفی است که برای دستیابی به سیاست‌های توسعه پایدار از آن‌ها استفاده می‌شود. بعد فرایندی به عنوان پشتیبان و ضمانت اجرای سیاست‌های توسعه پایدار و محرک آن در شهر محسوب می‌شود. تحقیقات انجام شده در زمینه سنجش توسعه پایدار در شهرهای مختلف بیشتر متمرکز بر بعد محتوایی و سنجش شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی آن بوده

است. بدین ترتیب، بررسی موضوع توسعه پایدار از منظر شاخص‌های فرایندی، می‌تواند به نوعی بیانگر برخی کاستی‌ها و ناکامی‌ها در تحقق توسعه پایدار باشد. به منظور ارزیابی میزان پیشرفت در بعد فرایندی توسعه پایدار و طراحی مدل عملیاتی تحقیق، ابتدا رابطه بین مفاهیم ظرفیت‌سازی، سرمایه اجتماعی و سرمایه نهادی با توسعه پایدار و نقش آن‌ها در فرایند پایداری شهرها تشریح شده است. سپس مدل عملیاتی تحقیق برای ارزیابی و سنجش بعد فرایندی توسعه پایدار طراحی شده و به طور نمونه در دو شهر کرج و قزوین مورد استفاده قرار گرفته است. این ارزیابی شامل بررسی شاخص‌های سرمایه اجتماعی، سرمایه نهادی و ظرفیت‌سازی در ارتباط با توسعه پایدار در این دو شهر خواهد بود. در مقاله حاضر، پس از بررسی پیشینه نظری موضوع، روش تحقیق و مدل عملیاتی این تحقیق بر پایه یافته‌های نظری معرفی شده است. در انتها نیز تحلیل داده‌ها و یافته‌های تحقیق و نتیجه‌گیری ارائه شده‌اند.

۲. توسعه شهری پایدار

توسعه پایدار نیز مانند هر ایده بزرگ دیگری که پا به عرصه وجود می‌گذارد، جهان شمول و مبین سودمندی عمومی و پیگیر اهدافی چون آزادی، برابری و دموکراسی است. از این رو ارائه تعاریف متعدد به وسیله پژوهشگران برای آن نیز قابل انتظار است (Gladwin et al., 1995: 876). تعریفی که بیشترین تأثیر را در بیان ایده اصلی توسعه پایدار داشته است، تعریفی است که از طرف کمیسیون برانتلند ارائه شد. در این گزارش توسعه پایدار، توسعه‌ای است که نیازهای جامعه

حاضر را برطرف می‌سازد، بدون آنکه توانایی نسل‌های آینده برای برطرف کردن نیازهایشان به خطر بیفتد (WCED, 1987: 43). اما این تعریف از جهات مختلف مورد انتقاد قرار گرفته است. ردکلیف (۱۹۹۲) اظهار می‌کند که در این تعریف، تأکید بر نیازهای انسانی بوده و حفاظت محیط طبیعی و محیط زیست مدنظر قرار نگرفته است. در جای دیگری از گزارش نیز توسعه پایدار را به عنوان ارتقای پتانسیل‌های کنونی و آتی برای دستیابی به نیازها و آرمان‌های بشر توصیف می‌کند. از این رو رویکردی انسان محور دارد. همچنین این تعریف، هدف مورد نظر خود را از نیازهای انسانی مشخص نکرده و آن‌ها را تعریف نکرده و در نهایت اینکه راه‌حل‌های عملی و اجرایی برای تحقق توسعه پایدار ارائه نکرده است (Redclift, 1992: 395).

توسعه پایدار، پارادایمی (نمونه‌ای) الهام‌بخش است؛ طی ۲۵ سال گذشته حکومتها، سازمان‌های تجاری و شهروندان نیز آن را به عنوان یک اصل راهنما پذیرفته‌اند و برای رسیدن به اهداف مورد نظر آن و سنجش آن راهکارهایی اندیشیده‌اند. اندازه‌گیری و ارزیابی پیشرفت در سیاست‌های توسعه پایدار در دهه ۱۹۹۰، کانون توجه پژوهشگران بود (Scottish Executive Social Research, 2006: 26). در این زمینه استفاده از شاخص‌ها یکی از ضروری‌ترین ابزارها برای ارزیابی میزان پیشرفت به سوی توسعه پایدار مدنظر بوده‌اند. هر جامعه متناسب با شرایط خود از چارچوب‌های خاصی استفاده می‌کند که شامل چارچوب‌هایی مبتنی بر اهداف پایداری، ابعاد پایداری، فرایندهای توسعه پایدار و ... می‌باشد. گسترده‌ترین چارچوب از نظر کاربرد، مبتنی بر ابعاد پایداری است که توسعه پایدار را از بعد محتوایی بررسی می‌کند و به سنجش نتایج نهایی سیاست‌ها می‌پردازد (Callens and Tyteca, 1999, Becker, 1997, Berke and Conroy, 2000, Lsaksson and Garvare, 2003, Parris and Kates, 2003, Maron et al., 2008, Kondyli, 2010).

در بعد محتوایی، شاخص‌ها معمولاً به سه دسته زیست محیطی، اقتصادی و اجتماعی تقسیم می‌شوند و میزان دستیابی به آن‌ها در طی زمان مورد سنجش قرار می‌گیرد. کمپل (Campbell, 1996) نیز مسیرهای دستیابی به توسعه پایدار را به دو دسته مسیرهای محتوایی^۱ و مسیرهای رویه‌ای^۲ تقسیم کرده و اظهار می‌کند که در بعد محتوایی برنامه‌ریزان باید با استفاده از دانشی که درباره چگونگی اقتصاد شهرها و اثرات مقابل اکولوژی دارند، طرح‌های خاص و دوراندیشانه‌ای را برای ارتقای پایداری در شهرها ارائه دهند و در بعد رویه‌ای، نقش برنامه‌ریزان ترتیب دادن فرایندها و رویه‌هایی برای تصمیم‌سازی پایدار است (Campbell, 1996: 305). امروزه این نکته پذیرفته شده که توسعه پایدار شهرها در صورتی تحقق می‌یابد که اهداف مردم‌سالاری، برابری در خدمات‌رسانی، حفاظت از محیط زیست، تقسیم عادلانه منابع و درآمد شهری با شکل‌گیری مدیریت شهری کارآمد به شکل توأمان دنبال شود. در این زمینه، یکی از تعهداتی که در منشور آلبورگ در ژوئن ۲۰۰۴ به توافق رسید، مسئله حکمروایی می‌باشد که بر مبنای آن، حکومت

محلی باید متعهد شود که مشارکت و تعاون شهروندان را در تمام جنبه‌های حکمروایی در امور ارتقا دهد تا جامعه بیشتر به اهداف توسعه پایدار نزدیک شود. حکمروایی در واقع کنش، شیوه یا سیستم اداره است که در آن مرزهای بین سازمان‌ها و بخش عمومی و خصوصی در هم می‌روند و جوهره آن، وجود روابط متعامل بین درون حکومت و نیروهای غیرحکومتی است. حکمروایی به روابط بین دولت و جامعه مدنی، حاکمان و حکومت شوندگان و روابط درون حکومت مربوط است (برک پور، اسدی، ۱۳۸۸: ۱۸۸ به نقل از Rakodi, 2003: 523-4). در مقایسه با مفهوم حکمروایی به طور عام، حکمروایی خوب باید دارای ویژگی‌هایی باشد که مطلوبیت آن را تبیین کند. حکمروایی خوب، پیش‌نیاز اساسی برای توسعه پایدار است. در کشورهای مختلف با منابع طبیعی و ساختار اجتماعی مشابه و برابر، با تفاوت در شیوه‌های مدیریت و اجرا نشان داده شده که بهبود سطح زندگی و رفاه جامعه نیز به صورت متفاوتی ارتقا یا کاهش یافته است (Downer, 2000: 5). امکان تحقق حکمروایی خوب بستگی به ساختار نهادی، تغییر در نقش‌ها و روابط نهادی و منابع اقتصادی در دسترس برای تأمین آن دارد و حکومت محلی نیز، نهاد کلیدی برای آغاز این تغییرات به شمار می‌آید. انباشت دانش تخصصی و تکیه بر دانش محلی، کلید توسعه عملکردی سرمایه اجتماعی و سرمایه نهادی هستند. مقامات محلی باید از طریق اجماع و مشاوره با شهروندان و سازمان‌های محلی، از تجربه و دانش آن‌ها یاد بگیرند و آن را به کار برند، از طرف دیگر این رابطه دو طرفه و محاوره‌ای باید دانش و آگاهی مردم محلی را نیز از فرایند پایداری ارتقا دهد. حکومت محلی نیز باید مشارکت و تعامل با دیگر سازمان‌ها را به منظور حمایت و ارتقا دانش و سرمایه محلی پرورش دهد (Evans et al., 2005: 4). این مسئله یکی از ویژگی‌های مهم در گذار از حکومت به حکمروایی است که اهمیت تعامل بیشتر با جامعه مدنی را بیان می‌کند.

۳. سرمایه اجتماعی و توسعه پایدار

مفهوم سرمایه اجتماعی از دهه ۱۹۸۰ به طور جدی به وسیله پیر بوردیو^۳، جیمز ساموئل کلمن^۴، رابرت پاتنام^۵، فرانسیس فوکویاما^۶ و اندیشمندان دیگر، وارد مباحث جامعه‌شناسی، اقتصاد و دیگر علوم شد و جایگاه تعریف شده‌ای در میان نظریه‌های جامعه‌شناسی به خود اختصاص داد. سرمایه اجتماعی از نگاه پاتنام به ویژگی‌های سازمان‌های اجتماعی مانند شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد اجتماعی گفته می‌شود که هماهنگی و همکاری را برای دستیابی به منفعت متقابل تسهیل می‌کند (Putnam, 1995: 67). از دید فوکویاما وجود سرمایه اجتماعی، نظم اجتماعی را به طریق مؤثر و کارآمدی حفظ و تداوم می‌بخشد و توسعه اقتصادی را باعث می‌شود (فیروزآبادی و ایمانی جاجرمی، ۲۰۲: ۳۸۵). از دیدگاه کلمن سرمایه اجتماعی وجود واحدی نیست و ترکیبی از ذات‌های گوناگون است که همه آن‌ها مشتمل بر جنبه‌ای از ساختارهای اجتماعی هستند و

3 -Pierre Bourdieu

4 -James Samuel Coleman

5 -Robert Putnam

6 -Francis Fukuyama

1 -substantive

2 -procedural

برخی کنش‌های خاص کنشگران در درون محدوده این ساختار را تسهیل می‌کنند (Coleman, 1988:98). سرمایه اجتماعی تأثیر آشکاری در زمینه کمک و همکاری به تحقق توسعه پایدار دارد. سراج‌دین^۱ (۱۹۹۶) با توجه به تعریف توسعه پایدار از کمیسیون برانتلند، توسعه پایدار را اینگونه تعریف می‌کند که پایداری به معنی به جا گذاشتن فرصت‌هایی به اندازه همان فرصت‌هایی که خودمان در نسل حاضر داشته‌ایم، برای نسل آینده است (Serageldin, 1996:3). با توجه به این تعریف، فرصت‌های رو به رشد، نیاز به گسترش موجودی سرمایه دارند. یعنی اگر بخواهیم فرصت‌هایی برابر با نسل حاضر برای نسل آینده به جای بگذاریم، باید موجودی سرمایه‌های موجود در جامعه را افزایش دهیم. در علوم اقتصادی، ایده تهی کردن سرمایه برای ایجاد جریان درآمدی غیرقابل قبول است، زیرا درآمدی که براساس تهی کردن سرمایه به دست آمده، ناپایدار است. سرمایه و رشد آن ابزارهایی برای فراهم آوردن فرصت‌ها برای نسل آینده است. بنابراین توسعه پایدار به عنوان فرصت به معنی اینست که سرمایه‌ای به همان اندازه و یا بیشتر از آن مقداری که نسل فعلی از آن برخوردار است، به نسل‌های آینده ارائه شود. در عین حال ترکیب سرمایه‌ای که برای نسل‌های بعدی به جا می‌ماند، می‌تواند متفاوت از ترکیب موجودی کنونی آن باشد (Serageldin and Grootaert, 1999: 41). به طور معمول این سرمایه شامل سرمایه طبیعی، فیزیکی، تولیدی و انسانی بوده است، که در جامعه کنونی این ترکیب باید گسترش یابد و سرمایه اجتماعی را نیز شامل شود. سرمایه اجتماعی به سرمایه درونی و انسجام فرهنگی جامعه، هنجارها و ارزش‌هایی که تعاملات را بین مردم ممکن می‌کند و همچنین نهادها، مربوط می‌شود. سرمایه اجتماعی مانند چسبی است که جامعه را متصل به هم نگه می‌دارد و بدون آن رشد اقتصادی و رفاه اجتماعی وجود نخواهد داشت (Grootaert, ۱۹۹۸: ۱).

۴. بعد نهادی توسعه پایدار

هرچند که بیشتر محققان و سازمان‌های بین‌المللی مرتبط با موضوع، توسعه پایدار را به سه بعد زیست‌محیطی، اقتصادی و اجتماعی تقسیم کرده‌اند، اما ابعاد دیگری نیز برای پایداری متصور است که از جمله می‌توان به پایداری نهادی اشاره کرد. کمیسیون توسعه پایدار ملل متحد^۲ در سال ۱۹۹۵ چهارمین بعد توسعه پایدار را بعد نهادی معرفی کرده است. در نشست جهانی ژوهانسبورگ در رابطه با توسعه پایدار در سال ۲۰۰۲ نیز اظهار شد که شکست پیشبرد توسعه پایدار در مقایسه با چیزی که بعد از کنفرانس ریو ۱۹۹۲ از آن انتظار می‌رفته است، به دلیل ضعف تمرکز بر ترتیبات نهادی و نارسایی ابزارهای حکمرانی بوده است (OECD, 2002). بعد نهادی شامل تعاملات انسانی و قوانینی است که به وسیله آن‌ها این تعاملات راهنمایی می‌شوند (Valentin and Spangenberg, 2000: 382). پایداری نهادی تداوم تأمین مناسب مالی، توانایی اداره و سازمان‌دهی بلندمدت، تصویب قوانین، تعیین دستگاه و نظام قانونی مناسب، ارتباط و هماهنگی نهادها و سازمان‌ها

است که به عنوان پیش‌نیاز و پشتیبان ابعاد قبلی مطرح می‌شود و همچنین بدین معنی است که در طول زمان کاهش در کیفیت ترتیبات نهادی به وجود نخواهد آمد. این مسئله آشکار است که اگر می‌خواهیم که در توسعه پایدار پیشرفت کنیم، باید تمام جوانب و ابعاد آن اعم از جامعه، محیط‌زیست، اقتصاد، فرهنگ و همچنین حکومت و ساختار نهادی را در نظر بگیریم. ابعاد مختلف توسعه پایدار در برخی موارد با هم متقاطع و گاهی مکمل یکدیگرند. گاهی نائل شدن به یکی، ممکن است دیگر ابعاد را از آرمان پایداری دور کند، از این رو در حالتی ایده‌آل، تلاش برنامه‌ریزان بر دستیابی به تعادل در تمام ابعاد آن است. بنابراین در حالت کلی، می‌توان توسعه پایدار را دستیابی به تمامی ابعاد آن و تعادل و توازن در روابط متقابل بین آن‌ها تعریف کرد. الگوهای رفتاری و شیوه‌های کاری و همچنین ارزش‌های جمعی، دانش و ارتباطاتی که در درون هر گروه سازمان یافته‌ای در جامعه وجود دارد، می‌تواند به عنوان سرمایه نهادی تعبیر شود. این اصطلاح، مفاهیم سرمایه فکری، سرمایه اجتماعی و سرمایه سیاسی را نیز دربرمی‌گیرد. سرمایه نهادی شامل منابع پولی و انسانی اساسی، ساختارها و شبکه‌های موجود و در حال کار در درون حکومت و همچنین اشخاص و منافع سازمان یافته در خارج از حکومت می‌شود. این نوع از سرمایه می‌تواند به وجود آید، توسعه یابد و یا از بین برود (Evans et al., 2005: 23).

۵. ظرفیت‌سازی اجتماعی و نهادی برای توسعه پایدار

ظرفیت‌سازی در مرکز توجه دستور کار پایداری در گزارش برانتلند نیز قرار گرفته است. تلاش‌های ظرفیت‌سازی در تمام سطوح اجتماعی، به عنوان سیاستی حیاتی و اجتناب‌ناپذیر برای آینده توسعه پایدار مورد دفاع و حمایت قرار گرفته است (Evans et al., 2005: 23). فصل ۳۷ از دستورکار ۲۱ نیز به طور ویژه به موضوع ظرفیت‌سازی برای توسعه پایدار اختصاص یافته است. در بخشی از این فصل چنین بیان شده که، توانایی یک کشور در پیگیری مسیر توسعه پایدار، به مقدار زیاد به وسیله ظرفیت مردم و نهادهای آن و همچنین شرایط جغرافیایی و اکولوژیکی آن کشور تعیین می‌شود (Agenda 21, Chapter 37, 1992). کمیسیون توسعه پایدار سازمان ملل متحد نیز، در سال ۱۹۹۶ در تعریف ظرفیت‌سازی بیان می‌کند که ظرفیت‌سازی مشابه واژه توسعه پایدار با دامنه گسترده‌ای از مفاهیم در ابعاد انسانی، فنی، مالی، علمی، فرهنگی و نهادی در ارتباط است. در واقع فرایند و وسیله‌ای است که در طی آن دولت‌ها و نهادهای محلی و اجتماعات محلی، مهارت‌ها و دانش خود در زمینه مدیریت منابع محیطی و طبیعی به نحوی پایدار در طی فعالیت‌های روزانه خود ارتقا دهند (UN, 1996: 2). به نظر می‌رسد که فاز نهادسازی یا ظرفیت‌سازی که به وسیله نهادها و سازمان محلی راهبری می‌شود، مسیری برای ارتقای فرصت‌های مشارکت عمومی و دستیابی به نتایج موفق برای توسعه پایدار فراهم می‌سازد (Evans et al., 2005: 27-28). از طرفی پیشرفت در توسعه پایدار وابسته به ظرفیت‌سازی اجتماعی است. ظرفیت‌سازی علاوه بر اینکه فرصت‌هایی برای مشارکت در تصمیم‌سازی فراهم می‌کند، جامعه محلی را توانمند

1 - Serageldin

2 - United Nations Commission for Sustainable Development

جدول (۱) - سناریوهای حالت‌های مختلف حکمروایی و تأثیر آن بر توسعه پایدار (ماخذ: Evans et al., ۲۰۰۵)

سطح ظرفیت اجتماعی برای توسعه پایدار		سطح ظرفیت توسعه پایدار
پایین	بالا	
۱. حکمروایی پویا (موفقیت بالایی سیاست توسعه پایدار)	۲. حکومت فعال (موفقیت متوسط سیاست توسعه پایدار)	بالا
۳. حکومت غیرفعال (شکست سیاست توسعه پایدار)	۴. حکمروایی داوطلبانه (سطح پایین موفقیت سیاست توسعه پایدار)	پایین

در مدل دوم، ژوست پلاتژ (۲۰۰۸) در یک مدل ساده درجه‌های مختلف تعادل نهادی را ارائه می‌دهد. این مدل براساس این فرضیه ساده بنا شده که نهادهای رسمی و غیررسمی هم می‌توانند محرک توسعه پایدار باشند و هم مانع آن شوند. با اینکه در حقیقت، نهادها در جامعه معمولاً ترکیبی از نهادهای کارا و ناکارا هستند. تعادل نهادی به این معنی است که نهادهای غیررسمی پشتیبان و تقویت کننده نهادهای رسمی و عملکرد حکومت سازمانی باشند. پلاتژ اظهار می‌کند تعادل نهادی کامل و بی‌نقص که تأثیر مثبتی روی توسعه پایدار می‌گذارد تنها زمانی قابل دستیابی است که نهادهای رسمی و غیررسمی توسعه پایدار را تشویق و تقویت کنند، «حکومت نهادی» در اجرای قوانین رسمی کارآمد باشد و نهادهای غیررسمی نیز دارای افرادی باشند که رفتارهای فرصت‌طلبانه از خود نشان نمی‌دهند و الگوهای پایداری را پشتیبانی می‌کنند. ایده کلی که در جدول شماره (۲) ارائه شده این است که مدل‌های ذهنی که همان نهادها و قواعد غیررسمی هستند و به عنوان سرمایه اجتماعی جامعه تعریف می‌شوند، برای دستیابی به توسعه پایدار از نهادهای رسمی و حکومت سازمانی مهم‌ترند. وقتی که مدل ذهنی مردم الگوهای پایداری را پشتیبانی کند، آن‌ها ترجیحاً قوانین رسمی ناکارآمد را اجرا نخواهند کرد. تأثیر این نهادهای رسمی و غیررسمی و حکومت در حالت‌های مختلف بر توسعه پایدار در جدول زیر آمده است:

با مقایسه دو مدل مطرح شده درمی‌یابیم، علی‌رغم اینکه هر دو آن‌ها بوجود رابطه قوی بین سرمایه نهادی و سرمایه اجتماعی با توسعه پایدار اذعان دارند، اما مدل اوآنس و همکارانش تأثیر سرمایه‌های نهادی را در این فرایند مهم‌تر می‌داند و پلاتژ تأثیر نهادهای غیررسمی یا سرمایه اجتماعی را مهم‌تر ارزیابی می‌کند. در ادامه مدل مفهومی پژوهش (که ترکیبی از دو مدل ذکر شده است) بیان شده است. همانطور که در بحث‌های پیشین دیده شد، رابطه بسیار قوی بین سرمایه اجتماعی و سرمایه نهادی وجود دارد. هم جامعه مدنی و هم ساختار نهادی دولت، نقشی اساسی در تعیین چشم‌اندازهای بلندمدت سرمایه اجتماعی در جامعه دارند. براساس تجزیه و تحلیل مبانی نظری بیان شده، این استدلال وجود دارد که ساختارهای

می‌کند که تا اندازه‌ای اختیار روندهای توسعه محلی را به عهده بگیرند. از سوی دیگر موضوع ظرفیت‌سازی نهادی نیز برای تغییرات بلندمدت مطمئن در پیشرفت توسعه پایدار نقشی بسیار مهم دارد. ماهیت یکپارچه توسعه پایدار مستلزم ظرفیت‌های جدید در درون تشکیلات و سازمان حکمروایی برای دستیابی به اولویت‌ها و اهداف معین در زیر یک چتر مشترک است (OECD, 2002). برای اثرگذار بودن، ظرفیت‌سازی نهادی باید شامل تمامی جنبه‌ها در توسعه منابع انسانی، توسعه سازمانی و توسعه نهادی باشد. توسعه منابع انسانی فرایند تجهیز مردم با مهارت‌ها و فهم و دسترسی به اطلاعات و دانش برای بروز عملکرد مؤثر است.

رید (۱۹۹۵) استدلال می‌کند که اگر توسعه پایدار بخواهد تحقق یابد، باید این نیاز هم به رسمیت شناخته شود که توسعه پایدار فقط در مورد تخصیص و مدیریت سرمایه‌های طبیعی نیست، بلکه به تصمیم‌گیری در مورد اینکه چه کسی دارای قدرت و پیگیر اهداف اساسی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی باشد نیز مربوط می‌شود. این اهداف شامل نیاز به تضمین نیازهای اساسی انسان، برابری، عدالت اجتماعی و تنوع فرهنگی است. از این رو وظیفه ظرفیت‌سازی، تجهیز جامعه برای رسیدن به این اهداف است. بنابراین با توجه به مباحث مطرح شده درمی‌یابیم که ظرفیت‌سازی از فرایندهای بنیادین و از پیش نیازهای اساسی برای پیشرفت در توسعه پایدار و دستیابی به اهداف آن است. در مجموع با ظرفیت‌سازی، توانایی جامعه در حل مشکلات و مسائلی که پیش روی آن قرار می‌گیرد، افزایش می‌یابد. جامعه به منظور اعمال عکس‌العمل مناسب در چنین موقعیت‌هایی، علاوه بر داشتن یک دستگاه سیاسی و اداری کارآمد و کاربردی، باید دارای سطح مشخصی از ظرفیت اقتصادی، اجتماعی و عملکردی باشد یا آن را ایجاد کند و همچنین از وفاق عمومی و اجماع نیز برخوردار باشد تا ناسازگاری و مغایرات اجتماعی - فرهنگی را مدیریت کند.

چگونگی تأثیر سرمایه نهادی و اجتماعی بر توسعه پایدار در مدل‌های مفهومی متفاوت مورد توجه قرار گرفته است. یکی از این مدل‌ها مربوط به پژوهش و طرح عملیاتی باب اوآنس و همکارانش (۲۰۰۵) در ۴۰ شهر اروپایی است. براساس مدلی که آن‌ها ارائه می‌دهند، ساختارهای نهادی و سرمایه نهادی موجود در جامعه بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند. اشکال و سطوح مختلف ساختارهای نهادی، باعث ایجاد سطوح مختلفی از ظرفیت‌های نهادی برای سیاست‌گذاری در زمینه توسعه پایدار می‌شود. همچنین سطح بالای سرمایه اجتماعی نیز اگر با مشارکت حکومت محلی همراه باشد، باعث پیشرفت در توسعه پایدار خواهد شد. از این رو هرچه سطوح سرمایه اجتماعی و سرمایه نهادی بالاتر باشد، احتمال موفقیت سیاست توسعه پایدار در آن جامعه بیشتر است. آن‌ها این حالت را حکمروایی پویا معرفی می‌کنند که بیانگر سطح بالایی موفقیت توسعه پایدار است (سناریوی ۱). از سوی دیگر هرچه سطح سرمایه اجتماعی و نهادی پایین‌تر باشد، احتمال شکست سیاست توسعه پایدار نیز بیشتر است. مدل پیشنهادی آن‌ها در جدول زیر آمده است:

جدول (۲) - درجه‌های مختلف تعادل نهادی و توسعه پایدار (ماخذ: Platje, 2006)

رتبه	چگونگی کارایی نهادها و حکومت نهادی ^۱	درجه تعادل نهادی ^۲	تأثیر احتمالی بر توسعه پایدار
۱	نهادهای رسمی و غیررسمی محرک توسعه پایدار هستند. حکومت نهادی کارآمد است.	تعادل سازمانی کامل (بی نقص)	مثبت
۲	نهادهای رسمی و غیررسمی محرک توسعه پایدار هستند. حکومت نهادی ناکاراست.	تعادل سازمانی نسبی	تأثیر احتمالی مثبت
۳	نهادهای رسمی و حکومت نهادی محرک توسعه پایدار هستند. نهادهای غیررسمی مانع توسعه پایدار میشوند.	عدم تعادل سازمانی	تأثیر احتمالی منفی
۴	نهادهای رسمی توسعه محرک توسعه پایدار هستند. حکومت نهادی ناکارا و نهادهای غیررسمی مانع توسعه پایدار میشوند.	عدم تعادل سازمانی	منفی
۵	نهادهای غیررسمی محرک توسعه پایدار و حکمروایی نهادی کارا هستند. نهادهای رسمی مانع توسعه پایدار میشوند.	عدم تعادل سازمانی	تأثیر نسبی مثبت
۶	نهادهای غیررسمی محرک توسعه پایدار هستند. نهادهای رسمی مانع توسعه پایدار میشوند و حکومت نهادی ناکاراست.	عدم تعادل سازمانی	تأثیر احتمالی مثبت
۷	حکومت نهادی کارا است. نهادهای رسمی و غیررسمی مانع توسعه پایدار میشوند.	عدم تعادل سازمانی بیشتر	منفی
۸	نهادهای رسمی و غیررسمی مانع توسعه پایدار میشوند. حکومت نهادی ناکاراست.	عدم تعادل سازمانی کامل	منفی

1 - Institutional governance
2 - Degree of Institutional equilibrium

است. روش نمونه‌گیری در پژوهش حاضر برای گردآوری اطلاعات از شهروندان در زمینه شاخص‌های سرمایه اجتماعی، نمونه‌گیری تصادفی ساده بوده است و حجم نمونه در سطح اطمینان ۹۵ درصد با احتساب خطای ۱۰ درصد، ۱۰۰ نفر در هر کدام از شهرهای قزوین و کرج تعیین شده است. روش نمونه‌گیری برای گردآوری اطلاعات از مدیران و کارشناسان در زمینه شاخص‌های سرمایه اجتماعی و ظرفیت‌سازی، نمونه‌گیری غیراحتمالی و هدفمند بوده است که در آن انتخاب نمونه به طریقی هدفمند و با توجه به هدف تحقیق و شرایط موجود انجام شده است؛ از این رو حجم نمونه نیز تعداد مشخصی نخواهد داشت و به اندازه‌ای بوده که شاخص‌های تحقیق را پوشش دهد. تجزیه و تحلیل داده‌ها در این پژوهش مبتنی بر روش‌های کمی، کیفی و توصیفی بوده است. داده‌های گردآوری شده به وسیله پرسشنامه در بعد سرمایه نهادی و سرمایه اجتماعی، با استفاده از آمارهای استنباطی و آزمون‌های برابری میانگین‌ها در نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل گرفته‌اند و معنی‌داری تفاوت‌ها و ارتباط شاخص‌ها در دو شهر بررسی شده‌اند. داده‌های به دست آمده از مصاحبه‌ها در مورد ظرفیت‌سازی برای توسعه پایدار نیز به روش توصیفی در متن مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

۷. مدل عملیاتی تحقیق

به منظور ارزیابی میزان پیشرفت و موفقیت در سیاست توسعه پایدار، دو دسته از متغیرها (یکی متغیرهای وابسته و دسته دیگر متغیرهای مستقل) ممکن است مورد سنجش قرار گیرند. متغیرهای وابسته شامل عواملی هستند که بر نتیجه نهایی سیاست‌ها تأثیر می‌گذارند؛ این متغیرها بعد محتوایی موضوع را شامل می‌شوند که بیانگر میزان تحقق توسعه در شهرند و شامل سنجش شاخص‌های اجتماعی،

نهادی و سرمایه نهادی موجود در یک جامعه بر روی یکدیگر تأثیر می‌گذارند. اشکال و سطوح مختلف ساختارهای نهادی، باعث ایجاد سطوح مختلفی از ظرفیت‌های نهادی برای سیاست‌گذاری در زمینه توسعه پایدار می‌شود. همچنین سطح بالای سرمایه اجتماعی نیز اگر با مشارکت حکومت محلی همراه باشد، باعث پیشرفت در توسعه پایدار خواهد شد. از این رو هرچه سطوح سرمایه اجتماعی و سرمایه نهادی بالاتر باشد، بالتبع سطح حکمروایی خوب نیز در جامعه بالاتر است و احتمال موفقیت سیاست توسعه پایدار در آن جامعه بیشتر است.

۶. روش انجام پژوهش

همانگونه که اشاره شد، هدف از انجام تحقیق حاضر، بررسی تطبیقی میزان پیشرفت در بعد فرایندی توسعه پایدار و شاخص‌های سرمایه نهادی، سرمایه اجتماعی و ظرفیت‌سازی در شهرهای کرج و قزوین است. با توجه به ماهیت موضوع و هدف اصلی تحقیق، رویکرد حاکم بر این پژوهش، «روش پیمایشی» و تکنیک اصلی مورد استفاده برای جمع‌آوری داده‌ها، «مصاحبه» با مدیران سطوح مختلف و استفاده از «پرسشنامه» بوده است. متغیرهای تحقیق شامل شاخص‌های سرمایه نهادی، سرمایه اجتماعی و ظرفیت‌سازی است. بررسی شاخص‌های سرمایه نهادی و ظرفیت‌سازی در شهرهای مورد نظر با استفاده از پرسشنامه و مصاحبه با مدیران و کارشناسان نهادهای شهرداری و اداره محیط‌زیست انجام شده است.^۱ داده‌ها در بخش سرمایه اجتماعی نیز در قالب پرسشنامه از شهروندان گردآوری شده

۱ لازم به توضیح است که در مرحله گردآوری داده‌ها در بخش سرمایه نهادی و ظرفیت‌سازی، سایر نهادهای تأثیرگذار در ظرفیت‌سازی نظیر شورای شهر و صدا و سیما هم مد نظر بوده‌اند که به دلیل عدم همکاری لازم برای انجام مصاحبه و تکمیل پرسشنامه، ناگزیر به نهادهای یادشده، اکتفا شده است.



اقتصادی و زیست محیطی است. متغیرهای مستقل که معمولاً در ارزیابی‌های پایداری توسعه شهری در ایران کمتر به آن‌ها توجه شده است، روش‌ها، فرایندها و ابزارهای مختلف برای دستیابی به سیاست‌های توسعه پایدار را دربرمی‌گیرند. این عوامل، بعد فرایندی توسعه پایدار را تشکیل می‌دهند که به عنوان پشتیبان و ضمانت اجرای سیاست‌های توسعه پایدار و بعد محتوایی محسوب می‌شوند. هدف اصلی مورد نظر در پژوهش حاضر، بررسی جنبه فرایندی توسعه پایدار بوده است. به منظور تعیین شاخص‌های عملیاتی در تحقیق حاضر، ابتدا شاخص‌های کلی سرمایه اجتماعی، سرمایه نهادی و ظرفیت‌سازی با مطالعه منابع متعدد و مرور متون تخصصی مربوطه استخراج گردید و از میان آن‌ها شاخص‌هایی که با هم مشابهت و همپوشانی بیشتری داشتند، ترکیب شده و در نهایت شاخص‌هایی که در مورد موضوع توسعه پایدار کاربرد بیشتری داشتند، برای بررسی در تحقیق حاضر انتخاب شده‌اند. در تبیین مدل عملیاتی تحقیق حاضر، شاخص‌های فرایندی توسعه پایدار به سه بخش شاخص‌های سرمایه اجتماعی، سرمایه نهادی و ظرفیت‌سازی تقسیم شده‌اند. هر کدام از بخش‌های یاد شده به عنوان یک شاخص کلی در نظر گرفته شده که با توجه به شاخص‌های جزئی و عملیاتی مشخص، برای آن‌ها گویه‌های متعددی در پرسشنامه تعریف شده است. بر این اساس به منظور بررسی شاخص‌ها در بخش سرمایه نهادی و سرمایه اجتماعی، پرسشنامه‌هایی تهیه شده که در بخش سرمایه نهادی در اختیار مدیران و کارشناسان اداره محیط‌زیست و شهرداری و در بخش سرمایه اجتماعی در اختیار شهروندان قرار گرفته است. داده‌های به دست آمده با استفاده از نرم‌افزار تحلیل آماری SPSS مورد پردازش و تحلیل قرار گرفته و با استفاده از آزمون‌های معنی‌داری، سطح هر کدام از شاخص‌ها بررسی شده و در نهایت نیز میانگین کل آن‌ها در هر کدام از ابعاد سرمایه اجتماعی و سرمایه نهادی در دو شهر مشخص شده است. در بخش ظرفیت‌سازی نیز شاخص‌ها در قالب سؤالات مصاحبه از مدیران و کارشناسان اداره محیط‌زیست و شهرداری در دو شهر مطرح شده و در متن به صورت توصیفی مورد بررسی قرار گرفته است.

۸. شهرهای مورد بررسی

شهر کرج یکی از کلانشهرهای ایران و همچنین مرکز استان البرز و شهرستان کرج با وسعت ۱۶۲ کیلومترمربع، در ۳۵ کیلومتری غرب تهران قرار گرفته است. براساس سرشماری مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۰، جمعیت شهر کرج یک میلیون و ۹۶۷ هزار و پنج نفر اعلام شده است که در حال حاضر پس از شهرهای تهران و مشهد به عنوان سومین شهر پرجمعیت کشور به شمار می‌رود (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰). به موازات گسترش شهر کرج، سازمان شهرداری آن نیز در چارچوب مقررات قانونی گسترش یافته و در حال حاضر چارت سازمانی آن از هفت معاونت تشکیل شده و شامل ۱۲ منطقه و ۱۳ سازمان تابعه می‌باشد^۱. چشم‌انداز توسعه شهر کرج براساس تصویر آرمانی برای توسعه حوزه در افق طرح (۱۴۰۵)، شهری پایدار و تضمین‌کننده

بهبود کیفیت زندگی و شهری دوستدار محیط‌زیست معرفی شده است. اداره کل حفاظت محیط‌زیست استان البرز در سال ۱۳۸۹، پس از تصویب لایحه تأسیس استان البرز تشکیل شده و فعالیت خود را آغاز کرده است. واحدهای تشکیلاتی اداره کل شامل روابط عمومی و امور رسانه، معاونت محیط‌زیست انسانی، معاونت محیط‌زیست طبیعی و معاونت اداری و مالی است^۲.

شهر قزوین نیز با مساحتی حدود ۶۴۳/۱۳۲ کیلومترمربع مرکز این استان می‌باشد. جمعیت این شهر براساس سرشماری مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۰، ۴۶۴ هزار و ۳۲۳ نفر اعلام گردیده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰). ساختمان عمارت شهرداری قزوین که از سال ۱۳۸۶ شهرداری (بلدیه) قزوین در آن مستقر شده، مربوط به دوره قاجار است و اولین ساختمان شهرداری در ایران به حساب می‌آید که در سال ۱۳۷۸ به موزه بلدیه تغییر کاربری داده است. شهرداری قزوین بر پایه آخرین تقسیمات اداری از سه منطقه شهرداری تشکیل شده و شامل شش معاونت و ۱۴ سازمان تابعه می‌باشد. در چشم‌انداز شهرداری قزوین، این شهرداری نهادی مردمی و دانش محور معرفی شده است تا شهر تاریخی و فرهنگی قزوین را به شهری ایمن، شاداب، پایدار با رونق اقتصادی و جاذبه‌های گردشگری تبدیل نماید. اداره کل حفاظت محیط‌زیست استان قزوین در سال ۱۳۷۷ ایجاد شده و از آن زمان تاکنون ضمن تجهیز ساختار اداری مجموعه در راستای تحقق اهداف تعریف شده، گام برمی‌دارد. چارت سازمانی این اداره شامل معاونت محیط طبیعی، معاونت محیط‌زیست انسانی و معاونت اداری و مالی می‌باشد^۳.

۹. تحلیل نتایج تحقیق

در این پژوهش تلاش بر این بوده که پرسشنامه‌ها با دقت و حضور مستقیم محقق به منظور ارائه توضیحات لازم، به وسیله کارشناسان و مدیران در اداره محیط‌زیست و شهرداری و شهروندان دو شهر تکمیل شود. داده‌ها در بخش ظرفیت‌سازی نیز از طریق مصاحبه محقق با کارشناسان و مدیران این دو نهاد در دو شهر به دست آمده‌اند. بدین ترتیب داده‌های گردآوری شده و بالتبع تحلیل‌ها، تا حد امکان مستند و مبتنی بر واقعیت خواهند بود. در ادامه نتایج تحلیل‌های مختلف شاخص‌ها در ابعاد سرمایه اجتماعی و نهادی و ظرفیت‌سازی ارائه شده است.

۱۰. بررسی شاخص‌های سرمایه اجتماعی در شهرهای کرج و قزوین

برای سنجش سرمایه اجتماعی در رابطه با توسعه پایدار، سه شاخص شامل "سطح آگاهی شهروندان از توسعه پایدار"، "اعتماد به نهادها" و "تمایل به مشارکت" مورد توجه قرار گرفته‌اند. هر کدام از این شاخص‌ها با استفاده از گویه‌های متعدد در پرسشنامه، مورد پیگیری قرار گرفته‌اند. در این پژوهش ابتدا امتیاز نهایی هر شاخص که حاصل میانگین ترکیب گویه‌های مربوط به آن شاخص می‌باشد،

۲ - پرتال اداره کل حفاظت محیط‌زیست استان البرز

۳ - «نقشه یافت‌های فرسوده مصوب شهرها»، وبگاه شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری ایران.

۴ - پرتال اداره کل حفاظت محیط‌زیست استان قزوین

برآورد شده و در نهایت نیز سطح سرمایه اجتماعی در دو شهر با استفاده از محاسبه میانگین کل، حاصل از هر سه شاخص در دو شهر با هم مورد مقایسه قرار گرفته است.

به منظور بررسی وضعیت سطح آگاهی شهروندان از توسعه پایدار، پس از ترکیب داده‌ها و گرفتن میانگین از دو گویه مربوط به آن با استفاده از نرم‌افزار SPSS، فیلد جدیدی با نام سطح آگاهی شهروندان ایجاد شده است. با توجه به اینکه متغیرهای فیلد جدید، میانگین دو گویه یاد شده هستند، مقدار آن‌ها از ۰ تا ۲ متغیر بوده است. نتایج حاصل از آزمون t دو نمونه مستقل نشان می‌دهد که میانگین سطح آگاهی شهروندان از مفهوم توسعه پایدار در شهر قزوین ۰.۹۶ و در شهر کرج ۰.۸۵ است و همچنین آماره t برابر با $1.538t =$ و سطح معنی‌داری حاصل $0.126S =$ است که مطلوب نمی‌باشد. می‌توان نتیجه گرفت که سطح آگاهی شهروندان از توسعه پایدار در دو شهر کرج و قزوین تقریباً یکسان است.

برای سنجش سطح اعتماد شهروندان به نهادها، چهار گویه در پرسشنامه در مقیاس لیکرت پنج سطحی (۱ تا ۵) مطرح شده است. به منظور بررسی سطح اعتماد به نهادها در دو شهر، پس از تلفیق گویه‌ها و با استفاده از میانگین آن‌ها، فیلد جدیدی با عنوان سطح اعتماد به نهادها تشکیل شده است. سپس با استفاده از آزمون t دو نمونه مستقل، میانگین سطح اعتماد در شهر قزوین برابر با ۲.۲۶ و در شهر کرج برابر با ۱.۹۸ محاسبه شده و آماره t برابر با $3.408t =$ و سطح معنی‌داری حاصل $0.001S =$ و کمتر از ۰.۰۵ است. با اینکه میانگین حاصل در هر دو شهر در سطح بسیار پائینی است، با توجه به آزمون t می‌توان نتیجه گرفت، تفاوت معنی‌داری بین سطح اعتماد به نهادها بین شهر قزوین و کرج برقرار است؛ سطح این شاخص در شهر قزوین بالاتر و مطلوب‌تر ارزیابی می‌شود.

برای سنجش شاخص سطح تمایل شهروندان به مشارکت در امور شهری و برنامه‌های مرتبط با توسعه پایدار، دو گویه در پرسشنامه در مقیاس لیکرت پنج سطحی (۱ تا ۵) مطرح شده که از ترکیب آن‌ها در نرم‌افزار SPSS، فیلد جدیدی حاصل از میانگین دو گویه تشکیل شده است. با توجه به نتایج حاصل از آزمون t دو نمونه مستقل، میانگین سطح تمایل به مشارکت در شهر قزوین برابر با ۳.۴۸ و در شهر کرج برابر با ۳.۴۶ محاسبه شده و سطح معنی‌داری حاصل $0.817S =$ و بیشتر از ۰.۰۵ است. می‌توان نتیجه گرفت، تفاوت معنی‌داری بین سطح تمایل به مشارکت بین شهر قزوین و کرج برقرار نیست و سطح این شاخص در هر دو شهر تقریباً یکسان ارزیابی می‌شود.

یکی دیگر از مصادیق و سنج‌های سطح مشارکت در جامعه، وجود سازمان‌های مردم‌نهاد مرتبط با توسعه پایدار است. در این زمینه بر حسب اطلاعات به دست آمده از استانداری‌های شهرهای مورد بررسی، تعداد سه سازمان مردم‌نهاد زیست‌محیطی در شهر کرج و چهار سازمان مردم‌نهاد زیست‌محیطی در شهر قزوین فعال هستند. همچنین تنها چهار درصد شهروندان در کرج و دو درصد آن‌ها در قزوین طی ۱۰ سال اخیر در سازمان مردم‌نهادی که به نوعی مرتبط با توسعه پایدار باشد، عضویت داشته‌اند؛ این مسئله نشان از ضعف فعالیتی این سازمان‌ها در این دو شهر دارد.

در نهایت در این بخش، پس از بررسی سه شاخص تعریف شده در بعد سرمایه اجتماعی، تفاوت معنی‌داری در زمینه دو شاخص "سطح

آگاهی شهروندان از توسعه پایدار" و "تمایل شهروندان به مشارکت در زمینه توسعه پایدار" اثبات نشد و تنها شاخص اعتماد به نهادها مورد پذیرش قرار گرفته و سطح آن در شهر قزوین نسبت به شهر کرج مطلوب‌تر ارزیابی می‌شود. همچنین به منظور سنجش سطح سرمایه اجتماعی در دو شهر، مقادیر شاخص‌های سطح آگاهی شهروندان، اعتماد به نهادها و تمایل به مشارکت که از ترکیب و میانگین حاصل از گویه‌های مربوط به هر کدام از شاخص‌ها محاسبه شده است، با هم تلفیق و ترکیب شده‌اند و میانگین کل حاصل به عنوان امتیاز سرمایه اجتماعی در دو شهر معرفی می‌شود. مقدار این میانگین در شهر قزوین برابر ۲.۸۸۸ و در شهر کرج برابر با ۲.۷۱۰ محاسبه شده و مقدار t حاصل از آزمون t نیز برابر با $2.597t =$ و سطح معنی‌داری برابر $0.01S =$ گزارش می‌شود. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که سطح سرمایه اجتماعی در شهر قزوین نسبت به شهر کرج بالاتر است.

۱۱. بررسی شاخص‌های سرمایه نهادی در شهرهای کرج و قزوین

برای سنجش سرمایه نهادی توسعه پایدار، پنج شاخص شامل "متصدیان متعدد و خبره و کارشناسان قوی"، "آموزش نهادی و دسترسی به اطلاعات توسعه پایدار"، "سطح فعالیت‌های عملی و اسناد بالادست توسعه پایدار"، "فعالیت‌ها و شبکه‌های ملی و بین‌المللی توسعه پایدار" و "تعامل بین نهادها و شبکه‌های مختلف مرتبط با توسعه پایدار" مورد بررسی قرار گرفته‌اند که داده‌های این بخش با استفاده از پرسشنامه از مدیران و کارشناسان بخش معاونت معماری و شهرسازی شهرداری و مدیران و کارشناسان بخش‌های محیط طبیعی، محیط انسانی و بخش آموزش اداره کل محیط‌زیست شهرهای کرج و قزوین گردآوری شده است. هر کدام از این شاخص‌ها با استفاده از گویه‌های متعدد در پرسشنامه مورد پیگیری قرار گرفته‌اند. ابتدا امتیاز نهایی هر شاخص که حاصل میانگین ترکیب گویه‌های مربوط به آن شاخص می‌باشد، برآورد شده و در نهایت نیز سطح سرمایه نهادی در دو شهر با استفاده از محاسبه میانگین کل حاصل از پنج شاخص در دو شهر با هم مورد مقایسه قرار گرفته است.

پس از تلفیق گویه‌های مربوط به شاخص متصدیان متعدد و خبره و کارشناسان قوی، میانگین سطح این شاخص در آزمون t در شهر قزوین برابر با ۰.۷۲۸ و در شهر کرج برابر با ۰.۵۹۲ محاسبه شده است. همچنین آماره t برابر با $2.643t =$ و سطح معنی‌داری حاصل $0.01S =$ است که کمتر از ۰.۰۵ است و می‌توان نتیجه گرفت که سطح این شاخص در شهر قزوین بالاتر از سطح آن در کرج است.

در ارزیابی شاخص آموزش نهادی و دسترسی به اطلاعات مربوط به توسعه پایدار نیز پس از ترکیب گویه‌های مربوطه، نتایج حاصل از آزمون t نشان می‌دهد که میانگین سطح این شاخص در شهر کرج برابر با ۰.۴۸ و در شهر قزوین برابر با ۰.۵۲ است. همچنین آماره t برابر با $0.442t =$ و سطح معنی‌داری حاصل $0.661S =$ است که بیشتر از ۰.۰۵ است و مطلوب نمی‌باشد. از این رو می‌توان نتیجه گرفت که سطح آموزش نهادی و دسترسی به اطلاعات مربوط به توسعه پایدار در دو نهاد شهرداری و محیط‌زیست در شهرهای کرج و قزوین تقریباً یکسان است و در سطح پائینی قرار دارد.

جدول (۳) - نتایج آزمون t دو نمونه مستقل پیرامون سطح سرمایه اجتماعی در دو شهر کرج و قزوین

آزمون آماری	انحراف معیار	میانگین	تعداد	
t=2.597 S=0.01	۰,۴۵۴۷	۲,۷۱۰	۱۰۰	کرج (درصد)
	۰,۵۱۴۷	۲,۸۸۸	۱۰۰	قزوین (درصد)

برای ارزیابی شاخص سطح فعالیت‌های عملی و اسناد بالادست در زمینه توسعه پایدار، چهار گویه در قالب مقیاس ترتیبی پنج سطحی لیکرت در پرسشنامه تعریف شده است. پس از بررسی تک تک گویه‌ها، به منظور محاسبه سطح این شاخص، میانگین امتیاز حاصل از گویه‌ها با هم ترکیب و فیلد جدیدی ایجاد شده است. استفاده از آزمون t نشان می‌دهد که میانگین سطح این شاخص در شهر کرج برابر با ۲,۴۸ و در شهر قزوین برابر با ۲,۹۳ است. آماره t برابر ۳,۱۷۵۲ = و سطح معنی داری حاصل $S=0.003$ و کمتر از ۰,۰۵ است. از این رو می‌توان نتیجه گرفت که سطح شاخص فعالیت‌های عملی و اسناد بالادست در زمینه توسعه پایدار در دو نهاد شهرداری و محیط‌زیست در شهر قزوین بالاتر از سطح آن در شهر کرج است. فعالیت‌ها و طرح‌هایی که در هر دو شهر مورد توجه قرار گرفته، شامل نصب نمایشگر آلودگی هوا، دستگاه‌های آنلاین تعیین آلودگی آب، طرح جلوگیری از تردد خودروهای فرسوده، تفکیک زباله در شهر، تولید انرژی از زباله‌های خشک، ممنوعیت استفاده از آزیست و ممنوعیت استقرار صنایع در داخل شعاع تعیین شده است. علاوه بر فعالیت‌های فوق، شهرداری قزوین فعالیت‌های دیگری از جمله افزایش سهم حمل‌ونقل عمومی، دوچرخه‌سواری و پیاده‌روی، استفاده از سول‌های خورشیدی در برخی از چراغ‌ها و روشنایی‌های معابر شهری، اجرای مبحث ۱۹ مقررات ملی ساختمان در مورد تمام ساختمان‌های سطح شهر را نیز مورد پیگیری قرار داده است. همچنین وجود اسناد بالادست و برنامه‌های مدونی چون سند دستور کار محلی ۲۱، سند مجموعه شهری، سند آمایش سرزمین و دیگر اسناد مشوق، الزام و تعهد بیشتر در نهادها در راستای اجرای توسعه پایدار در شهر قزوین بوده‌اند، در حالی که شهر کرج در رابطه با وجود چنین اسنادی با ضعف روبرو است.

نتایج آماری حاصل از آزمون t نشان می‌دهد که میانگین شاخص فعالیت‌ها و شبکه‌های ملی و بین‌المللی در زمینه توسعه پایدار در شهر قزوین ۰,۳۷۳ و در شهر کرج ۰,۲۱۳ می‌باشد. آماره t برابر $t=2.288$ و سطح معنی داری حاصل $S=0.027$ است که کمتر از ۰,۰۵ و مطلوب است. بنابراین سطح فعالیت‌های ملی بین‌المللی در زمینه توسعه پایدار در شهر قزوین بالاتر از شهر کرج است. در این زمینه، شهرداری قزوین در برگزاری چند همایش با موضوع توسعه پایدار مشارکت داشته و پیش قدم بوده است که از جمله می‌توان

به همایش ملی منظر شهری با رویکرد توسعه پایدار، برگزاری کنگره و گردهمایی بین‌المللی توسعه پایدار شهری با عنوان "شهری برای همه" (City for All) با رویکردی به توسعه فضای شهری با همکاری UNESCO، UN-Habitat و برخی دیگر از نهادها اشاره کرد. در شهر کرج نیز همایش‌هایی در زمینه مصرف بهینه انرژی، بازیافت و حفظ محیط‌زیست با همکاری شهرداری، اداره محیط‌زیست و دیگر نهادهای مربوطه در کرج برگزار شده است. در زمینه تعاملات بین‌المللی، شهرداری قزوین به واسطه انتخاب شدن شهر قزوین طی سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۱ به عنوان شهر پایلوت برای اجرای دستور کار محلی ۲۱، تعاملاتی در زمینه برگزاری همایش و کنفرانس‌های مختلف در زمینه توسعه پایدار و تهیه سند دستور کار محلی ۲۱ با UNESCO و UN-Habitat و دانشگاه وین اتریش داشته است.

نتایج آماری حاصل از آزمون t پس از ترکیب گویه‌های مربوط به شاخص سطح تعامل نهادهای مختلف در زمینه توسعه پایدار، نشان می‌دهد که میانگین این شاخص در شهر قزوین ۲,۱۸۷ و در شهر کرج ۲,۰۶۷ است. همچنین آماره t برابر $t=0.633$ و سطح معنی داری حاصل $S=0.52$ است که نامطلوب می‌باشد. بنابراین تعامل نهادهای مختلف در زمینه توسعه پایدار در دو شهر قزوین و کرج تقریباً یکسان است.

در پاسخ به این سؤال که کدام یک از نهادهای زیر بیشتر پیگیر پیشرفت توسعه پایدار در شهر هستند، در شهر کرج، ۷۵ درصد پاسخ‌دهندگان در شهرداری و ۱۰ درصد آن‌ها در اداره محیط‌زیست این شهر، نقش پیگیر و فعال‌تر اداره محیط‌زیست را در این زمینه اظهار کرده‌اند، در حالی که در شهر قزوین وضعیت به گونه‌ای دیگر است. در این شهر، ۹۲ درصد افراد در شهرداری و ۷۰ درصد افراد در اداره محیط‌زیست، به نقش مؤثر و پیگیر شهرداری قزوین اشاره کرده‌اند. نقش اداره رفاه و تأمین اجتماعی و اداره اقتصاد و دارایی نیز در هر دو شهر بسیار اندک اظهار شده است.

جدول (۴) - سطح پیگیری نهادهای مختلف در مورد توسعه پایدار

نهاد	شهرداری	اداره محیط‌زیست	اداره رفاه و تأمین اجتماعی	اداره اقتصاد و دارایی
کرج	شهرداری	۴۶	۷۵	۸,۳
	محیط زیست	۳۰	۱۰۰	۰
قزوین	شهرداری	۹۱,۷	۴۱,۷	۰
	محیط زیست	۷۰	۴۰	۱۰

*برخی از پاسخ‌دهندگان بیش از یک گزینه را انتخاب کرده‌اند.

در نهایت در این بخش، پس از بررسی پنج شاخص تعریف شده در بعد سرمایه نهادی، تفاوت معنی‌داری در زمینه دو شاخص "آموزش نهادی و دسترسی به اطلاعات توسعه پایدار" و "تأمیل بین نهادها و شبکه‌های مختلف مرتبط با توسعه پایدار" اثبات نشد، در مقابل شاخص‌های "متصدیان متعهد و خیره و کارشناسان قوی"، "سطح فعالیت‌های عملی و اسناد بالادست توسعه پایدار"، "فعالیت‌ها و شبکه‌های ملی و بین‌المللی توسعه پایدار" مورد پذیرش قرار گرفته و تفاوت آن‌ها در بین دو شهر معنی‌دار ارزیابی شد و سطح این سه شاخص در شهر قزوین نسبت به شهر کرج مطلوب‌تر اعلام می‌شود. به منظور مقایسه سطح سرمایه نهادی در دو شهر، مقادیر شاخص‌های پنج‌گانه آن، که از ترکیب و میانگین حاصل از گویه‌های مربوط به هر کدام از شاخص‌ها محاسبه شده است، با هم تلفیق و ترکیب شده‌اند و میانگین کل حاصل به عنوان امتیاز سرمایه نهادی در دو شهر معرفی شده است. مقدار این میانگین در شهر قزوین برابر ۱,۳۴۸ و در شهر کرج برابر با ۱,۱۶۶ محاسبه شده و مقدار t حاصل از آزمون t نیز برابر با $۲,۸۴۲t =$ و سطح معنی‌داری برابر $۰,۰۴S =$ و کمتر از $۰,۰۵$ گزارش می‌شود. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که سطح سرمایه نهادی در شهر قزوین نسبت به شهر کرج بالاتر است.

جدول (۵) - نتایج آزمون t دو نمونه مستقل پیرامون سطح سرمایه نهادی در دو شهر کرج و قزوین

آزمون آماری	انحراف معیار	میانگین	تعداد	کرج (درصد)	قزوین (درصد)
$t=2,842$	۰,۲۶۷۲	۱,۱۶۶	۲۵	۲۵	۲۵
$S=0,04$	۰,۱۷۳۸	۱,۳۴۸	۲۵	۲۵	۲۵

۱۲. بررسی شاخص‌های ظرفیت‌سازی در شهرهای کرج و قزوین

داده‌های گردآوری شده از طریق مصاحبه‌ها در این بخش شامل فعالیت‌ها، روش‌ها، ابزار، طرح‌ها و برنامه‌های مختلف نهادها در زمینه توسعه پایدار است.

شاخص فعالیت‌ها و برنامه‌ها برای ترویج توسعه پایدار: طیف متنوعی از فعالیت‌ها در زمینه این شاخص در دو شهر در دستور کار قرار گرفته است، از جمله می‌توان از احداث خانه‌های سلامت، خانه‌های فرهنگ و فرهنگسراها با هدف ارتقای آگاهی شهروندان در زمینه حمل‌ونقل و ترافیک، مدیریت پسماند، میلمان شهری، حفظ محیط‌زیست و فضای سبز، آموزش چهره‌به‌چهره تفکیک از مبدأ سازمان مدیریت پسماند، راه‌اندازی سایت‌های اینترنتی در راستای آموزش زیست‌محیطی کودکان با شعر، موسیقی و دانستنی‌ها، ترویج آموزش‌های فرهنگ شهروندی از طریق ساخت پویانمایی، انتشار و توزیع کتاب، سی‌دی و پیک‌های آموزشی برای کودکان نام برد. با توجه به فعالیت‌های انجام شده، سطح این شاخص در دو شهر یکسان ارزیابی می‌شود.

شاخص تشویق شهروندان به مشارکت در برنامه‌ها: علاوه بر برنامه‌های تشویقی برای ترغیب مردم به نوسازی بافت فرسوده با ارائه تسهیلات بانکی و بخشودگی عوارض و برگزاری مسابقات و نمایشگاه‌ها درباره موضوعات زیست‌محیطی در هر دو شهر، نهادها در شهر قزوین تسهیلاتی برای تشویق استفاده از انرژی‌های نو در ساختمان‌های شهر و همچنین ترغیب شهروندان به انجام معاینه فنی خودروها در نظر گرفته‌اند. از این رو می‌توان سطح این شاخص را در قزوین مطلوب‌تر ارزیابی کرد.

شاخص ظرفیت‌سازی برای دستور کار ۲۱: در این زمینه طرح‌هایی که در شهر کرج تهیه شده‌اند شامل طرح جامع کاهش آلودگی هوا، طرح جامع ترافیک، طرح جامع مدیریت پسماند، طرح جامع راهبردی و طرح تفصیلی است. در زمینه توسعه پایدار، به عنوان نمونه یکی از عناوین اصلی در چشم‌انداز توسعه شهر کرج براساس تصویر آرمانی برای توسعه حوزه در افق طرح (۱۴۰۵)، شهری پایدار و تضمین‌کننده بهبود کیفیت زندگی و شهری دوستدار محیط‌زیست است. شهر قزوین علاوه بر سند دستور کار محلی ۲۱، طرح مجموعه شهری، برنامه توسعه راهبردی (CDS)، سند آمایش سرزمین، طرح جامع سلامت، طرح جامع ترافیک، اسناد کارگروه قزوین ۲۰+، طرح جامع و طرح تفصیلی، برنامه‌های پنج ساله شهرداری قزوین، سند توسعه محیط‌زیست استان قزوین، طرح جامع آموزش محیط‌زیست تدوین شده‌اند. به عنوان نمونه از راهبردهای مربوط به مضامین توسعه پایدار در برنامه پنج ساله شهرداری (۱۳۸۸-۱۳۹۳)، می‌توان به رشد منابع درآمدی پایدار، رشد و توسعه مشارکت نهادهای عمومی و بخش خصوصی در اجرای پروژه‌های شهری، بهبود محیط‌زیست، ترویج آموزش‌های فرهنگ شهروندی به منظور افزایش مشارکت اجتماعی شهروندان اشاره کرد (برنامه پنج ساله شهرداری قزوین، ۱۳۸۸). چشم‌انداز شهر قزوین، شهرداری قزوین را نهادی مردمی و دانش محور معرفی نموده تا شهر تاریخی و فرهنگی قزوین را به شهری ایمن، شاداب، پایدار با رونق اقتصادی و جاذبه‌های گردشگری تبدیل نماید. با توجه به وجود اسنادی چون دستور کار محلی ۲۱، طرح جامع سلامت، طرح توسعه راهبردی، طرح جامع آموزش محیط‌زیست و دیگر اسناد در شهر قزوین، می‌توان اظهار کرد که این شهر در زمینه اسناد بالادست و ظرفیت‌سازی برای توسعه پایدار در سطح مطلوب‌تری نسبت به شهر کرج قرار دارد.

شاخص وجود مراکز و محل اجتماعات عمومی: مسئولان نهادی در هر دو شهر از سالن‌های اجتماعات فرهنگسراهای سطح شهر، خانه‌های سلامت و خانه‌های فرهنگ و مساجد محلات سطح شهر بهره می‌جویند. از نظر این شاخص، دو شهر در سطح یکسانی قرار گرفته‌اند.

شاخص اطلاع‌رسانی درباره اقدامات انجام شده: به منظور اطلاع‌رسانی درباره اقدامات و فعالیت‌های انجام شده، در شهر کرج با استفاده از پایگاه‌های اینترنتی شامل پرتال شهرداری کرج، پایگاه خبری مدیریت شهری کرج، بانک اطلاعات شهری استان با نام البرز من و سایت اداره محیط‌زیست کرج فعالیت می‌کند. در شهر قزوین علاوه بر اطلاع‌رسانی از طریق پرتال‌های شهرداری و اداره محیط‌زیست و استفاده از پوسترها در سطح شهر و برگزاری

همایش‌های عمومی در فضاهای باز، از طریق برنامه‌های ویژه شهرداری قزوین در رادیو شهر این اطلاع‌رسانی صورت می‌پذیرد. با این حال با توجه به متفاوت بودن نوع فعالیت‌ها در دو شهر، می‌توان سطح آن‌ها را یکسان ارزیابی کرد.

شاخص ارتباطات مؤثر و سازمان یافته در زمینه

توسعه پایدار: با توجه به اطلاعات گردآوری شده در این زمینه، شهرداری قزوین تفاهم‌نامه‌های علمی، پژوهشی و عملی متعددی با دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی و نهادها امضا کرده است. از این روی سطح ارتباط شهرداری قزوین با دانشگاه‌ها و نهادها مطلوب‌تر است و فعالیت‌های بیشتری در راستای گسترش این ارتباطات به وسیله این نهاد انجام شده است. از طرفی اداره محیط‌زیست کرج نیز همانطور که گفته شد، تعامل تنگاتنگی با دانشگاه‌های مختلف دارد که این مسئله به دلیل وجود دانشگاه محیط‌زیست کرج و همچنین پردیس کشاورزی دانشگاه تهران در این شهر است. با توجه به این مسائل، در مجموع به نظر می‌رسد، سطح این تعاملات و ارتباطات در شهر قزوین بالاتر بوده و تأثیر آن‌ها در طرح‌ها و برنامه‌های شهر مشهودتر است.

شاخص تقویت همکاری بین بخش‌های مختلف

مرتبط با توسعه پایدار: با توجه به داده‌های به دست آمده، سطح این شاخص در دو شهر یکسان ارزیابی می‌شود و سازمان‌های مذکور جز در موارد هماهنگی در اجرای برخی طرح‌های آموزشی مشترک در زمینه محیط‌زیست و برگزاری مراسم و روزهای خاص، تعامل مؤثر دیگری ندارند.

شاخص آموزش نهادی و تسهیل دسترسی به

اطلاعات مربوط به توسعه پایدار: برنامه‌های آموزشی که در شهر قزوین برای اعضای نهادهای شهرداری و محیط‌زیست اجرا شده است، موضوعات و مباحث گسترده و متنوع‌تری از قبیل نوسازی و بهسازی بافت فرسوده، شیوه‌های افزایش مشارکت، بهره‌وری انرژی، طرح راهبردی توسعه شهری (CDS)، توسعه پایدار، منظر شهری و ... را دربرمی‌گیرد. اما در شهر کرج کارگاه‌ها و برنامه‌ها در این زمینه بیشتر حول محور پسماند، محیط‌زیست و بهره‌وری انرژی بوده است.

شاخص حمایت مالی از برنامه‌های مرتبط با توسعه پایدار، با توجه به اظهارات مصاحبه‌شوندگان هر دو شهر، بودجه ویژه‌ای به توسعه پایدار و یا آموزش در این زمینه اختصاص نیافته است. اما به طور پراکنده، در برخی از سازمان‌ها از قبیل سازمان مدیریت پسماند، بودجه‌هایی برای آموزش در زمینه مدیریت پسماند و تفکیک زباله تعیین شده است. هیچگونه حمایت مالی و نهادی خاصی برای تشکیل سازمان‌های مردم‌نهاد به وسیله شهرداری و اداره محیط‌زیست در دو شهر انجام نمی‌شود. در عین حال، اطلاعات دقیقی از این بخش به جز موارد ذکر شده در دسترس نیست.

در نهایت در این بخش، پس از بررسی وضعیت شاخص‌های تعریف شده در بعد ظرفیت‌سازی، فعالیت‌های انجام شده در سطح پنج شاخص "فعالیت‌ها و برنامه‌ها برای ترویج توسعه پایدار"، "مراکز و محل اجتماعات عمومی"، "اطلاع‌رسانی درباره اقدامات انجام شده

"، "تقویت همکاری بین بخش‌های مختلف" و "حمایت‌های مالی" در دو شهر یکسان ارزیابی می‌شود. اما سطح فعالیت‌های انجام شده در زمینه چهار شاخص باقیمانده در شهر قزوین نسبت به شهر کرج مطلوب‌تر ارزیابی می‌شود و می‌توان نتیجه گرفت که سطح ظرفیت‌سازی برای توسعه پایدار در شهر قزوین نسبت به شهر کرج بالاتر و در جایگاه مطلوب‌تری قرار دارد.

۱۳. جایگاه توسعه پایدار در اقدامات و برنامه‌های شهرداری و محیط‌زیست از دیدگاه مدیران و کارشناسان

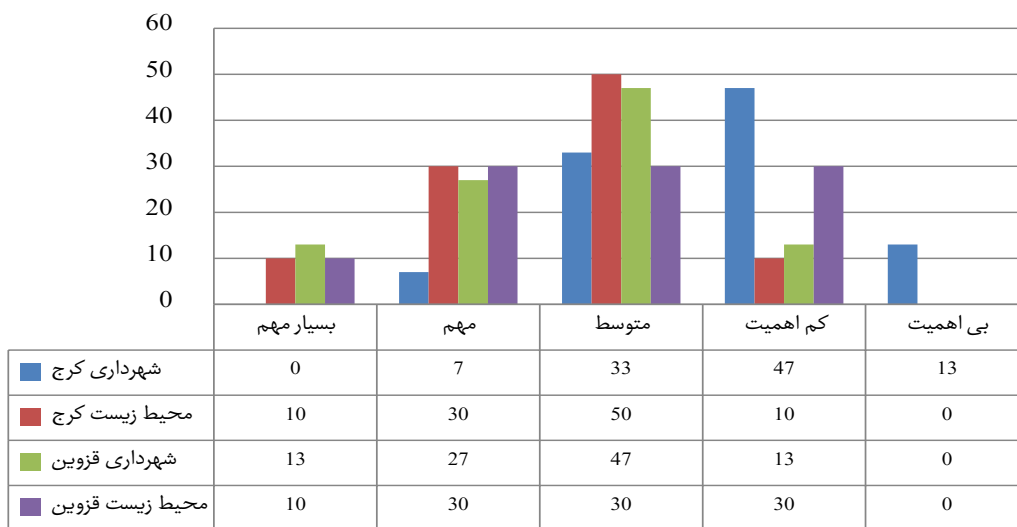
در شهرداری کرج در پاسخ به این سؤال که جایگاه توسعه پایدار را در این نهاد چگونه ارزیابی می‌کنید، اکثر مدیران عملکرد شهرداری کرج را در این زمینه ضعیف ارزیابی کرده‌اند. ۶۰ درصد افراد در شهرداری جایگاه توسعه پایدار را در برنامه‌ها و اقدامات شهرداری کرج کم‌اهمیت و بی‌اهمیت اظهار کرده‌اند. در اداره محیط‌زیست کرج نیز جایگاه رویکرد توسعه پایدار در برنامه‌ها، متوسط اعلام شده است و برنامه منسجم و هدفمندی در این راستا وجود ندارد. ۴۰ درصد افراد در این نهاد، جایگاه توسعه پایدار را مهم و بسیار مهم و ۵۰ درصد آن‌ها در اقدامات این نهاد، متوسط ارزیابی کرده‌اند.

در گفتگوهای انجام شده با مدیران شهری در شهرداری قزوین، اکثر افراد مورد مصاحبه جایگاه این رویکرد را در اقدامات و برنامه‌های شهرداری مهم اعلام کرده‌اند. همچنین در این گفتگوها اظهار داشته‌اند، با وجود اینکه بخش یا کمیته خاصی هنوز به عنوان مسئول و پیگیر توسعه پایدار در شهرداری شکل نگرفته، این رویکرد به شکلی پنهان در برنامه‌های شهر صورت گرفته است و شهر قزوین در مسیر توسعه پایدار حرکت می‌کند و در تمام برنامه‌های نهادها، این رویکرد مستتر است. ۴۰ درصد از افراد، جایگاه توسعه پایدار را مهم و بسیار مهم و ۴۷ درصد از آن‌ها این جایگاه را در اقدامات شهرداری قزوین متوسط ارزیابی کرده‌اند. در گفتگو با کارشناسان، جایگاه این مفهوم در برنامه‌های اداره محیط‌زیست قزوین مهم، اما در عمل و اجرا ضعیف اظهار شده است. در این راستا ۶۰ درصد از افراد نیز جایگاه توسعه پایدار را در برنامه‌ها و اقدامات این نهاد کم‌اهمیت و متوسط ارزیابی کرده‌اند.

۱۴. نتیجه‌گیری

ظرفیت‌سازی از فرایندهای بنیادین و از پیش‌نیازهای اساسی برای پیشرفت در توسعه پایدار و دستیابی به اهداف آن است. ظرفیت‌سازی نهادی برای پیشرفت توسعه پایدار شامل توانایی ذی‌نفعان برای انجام کار جمعی و همکاری با یکدیگر، توانایی تنظیم سیاست‌ها و تصمیم‌گیری بلندمدت، توانایی منعطف و سازش‌پذیر بودن در سیاست‌گذاری به منظور اعمال واکنش مناسب در برابر مسائل پیش‌بینی نشده و ناشناخته و تفکر یکپارچه است. بنابراین ساخت سرمایه اجتماعی و توسعه و تقویت سرمایه نهادی به عنوان مهمترین اهداف در اقدامات ظرفیت‌سازی برای توسعه پایدار به شمار می‌آید و وجود اشخاص مؤثر و کارآمد (چه در نهادها و چه در جامعه مدنی) عنصری کلیدی در فرایند حکمروایی خوب

جایگاه توسعه پایدار در اقدامات و برنامه نهادها



شکل (۱)- جایگاه توسعه پایدار در اقدامات و برنامه نهادها در کرج و قزوین

قرار دارند و سطح چهار شاخص باقیمانده در شهر قزوین نسبت به شهر کرج مطلوب‌تر ارزیابی می‌شود. همچنین با توجه به مصاحبه‌ها و داده‌های گردآوری شده از پرسشنامه‌ها نیز اقدامات مربوط به توسعه پایدار و توجه به آن در برنامه‌ها در شهرداری قزوین نسبت به دیگر نهادهای بررسی شده در این پژوهش در جایگاه بهتری قرار گرفته است. در نهایت با توجه به یافته‌های حاصل از این پژوهش در دو شهر، سطح شاخص‌ها در سه بخش سرمایه اجتماعی، سرمایه نهادی و ظرفیت‌سازی در شهر قزوین مطلوب‌تر از شهر کرج ارزیابی می‌شود. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که شهر قزوین جهت‌گیری مناسب‌تری برای حرکت به سوی توسعه پایدار در مقایسه با شهر کرج دارد. اما صحت این ادعا نیازمند انجام تحقیقات دیگر در زمینه سنجش شاخص‌هایی مرتبط با ابعاد محتوایی توسعه پایدار در شهرهای مورد نظر است.

منابع:

- ایمانی جاجرمی، حسین. (۱۳۸۰). "سرمایه اجتماعی و مدیریت شهری"، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۷، پاییز ۱۳۸۰.
- ایمانی جاجرمی، حسین، فیروزآبادی، سیداحمد. (۱۳۸۵). "سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی-اجتماعی در کلانشهر تهران"، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۳- صص ۲۲۴-۱۹۷.
- برک پور، ناصر، اسدی، ایرج (۱۳۸۸) "مدیریت و حکمروایی شهری"، دانشگاه هنر، تهران.
- مرکز آمار ایران، سرشماری سال ۱۳۹۰.
- شبکه اطلاعات شهری کرج (<http://www.karaj.info>).
- پرتال شهرداری کرج (<http://www.karaj.ir>).

برای توسعه پایدار خواهد بود. با توجه به مبانی نظری مطرح شده، مدل عملیاتی پژوهش بر پایه وجود رابطه قوی بین سطح سرمایه اجتماعی، سرمایه نهادی و ظرفیت‌سازی با پیشرفت توسعه پایدار تدوین شده است. اساس این مدل بر این امر استوار است که هرچه سطح سرمایه اجتماعی، سرمایه نهادی و ظرفیت‌سازی برای توسعه پایدار بالاتر باشد، احتمال موفقیت و پیشرفت توسعه پایدار در جامعه مورد نظر نیز بیشتر خواهد بود.

در این راستا شاخص‌های سرمایه اجتماعی، سرمایه نهادی و ظرفیت‌سازی در ارتباط با توسعه پایدار به منظور مقایسه و ارزیابی بعد فرایندی توسعه پایدار در شهرهای کرج و قزوین مورد بررسی قرار گرفته‌اند. با توجه به اینکه روش گردآوری داده‌ها برای سرمایه اجتماعی و سرمایه نهادی با استفاده از پرسشنامه بوده است، نتایج به دست آمده در این بخش‌ها نیز با استفاده از آزمون‌های آماری بوده است و داده‌های بخش ظرفیت‌سازی نیز با استفاده از مصاحبه گردآوری شده و به روش توصیفی در متن مورد بررسی قرار گرفتند. پس از بررسی تفصیلی شاخص‌ها در بخش سرمایه اجتماعی، میانگین سطح سرمایه اجتماعی در شهر قزوین برابر ۲,۸۸۸ و در شهر کرج برابر با ۲,۷۱۰ محاسبه شده و سطح معنی‌داری برابر ۰,۰۱S = گزارش شده است. بنابراین سطح سرمایه اجتماعی در شهر قزوین نسبت به شهر کرج بالاتر است. در بخش سرمایه نهادی نیز، پس از بررسی تفصیلی تمام شاخص‌ها، میانگین کل حاصل از آن‌ها در شهر قزوین برابر ۱,۳۴۸ و در شهر کرج برابر با ۱,۱۶۶ و سطح معنی‌داری برابر ۰,۰۷S = محاسبه شده است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که سطح سرمایه نهادی در شهر قزوین نسبت به شهر کرج بالاتر است. در زمینه ظرفیت‌سازی نیز نه ۹ شاخص در دو شهر مورد بررسی قرار گرفته‌اند که از میان آن‌ها پنج شاخص در دو شهر در سطح یکسانی

- Journal 18(8):649-656.
23. Maron, Daniel D., Wackernagel, Mathis, Kitzes, Justin A., Goldfinger, Steven H., Boutaud, Aur-lien (2008). "Measuring sustainable development - Nation by nation", *Ecological Economics*, 64:470-474
 24. OECD, (2002) "Governance for Sustainable Development: Five OECD Case Studies", Paris, OECD
 25. Parris, Thomas M., Kates, Robert W. (2003) "Characterizing And Measuring Sustainable Development", *Annu. Rev. Environ. Resour.* 2003. 28:13.1-13.28
 26. Platje, J. (2006). "New Institutional Economics as the Tool of Analysis and Implementation of Sustainable Development", paper presented at the conference on "Sustainable Development in Theory and Practice", Wrocław, 29-30 June.
 27. Platje, Joost. (2008). "Institutional Capital: as a factor of sustainable development - the importance of an institutional equilibrium", *Technological And Economic Development, Baltic Journal On Sustainability*, 14 (2): 144-150.
 28. Putnam, Robert D. (1995). "Bowling Alone: America's Declining Social Capital", *Journal of Democracy*, 6.1:65-78.
 29. Rakodi, Carole, (2003). "Politics and performance: the implications of emerging governance arrangements for urban management approaches and information systems", *Habitat International*, No. 27.
 30. Redclift, Michael. (1992). "The meaning of sustainable development", *Geoforum*, 23 (3):395-403.
 31. Reid, D. (1995). "Sustainable Development". Earthscan, London. Scottish Coastal Forum, 2002. A Strategy for Scotland Coast and Inshore Waters: Statement of Intent. Scottish Executive, Edinburgh.
 32. Scottish Executive Social Research, (2006). "Sustainable Development: A Review Of International Literature", The Centre for Sustainable Development, University of Westminster and the Law School, University of Strathclyde.
 33. Serageldin, Ismail , Grootaert, Christiaan. (1999). "Defining social capital: an integrating view", in Dasgupta, Partha, Serageldin, Ismail, *Social Capital: A Multifaceted Perspective*, The World Bank, Washington, D.C. September 1999
 34. Serageldin, Ismail. (1996). "Sustainability and the Wealth of Nations - First Steps in an Ongoing Journey", *Environmentally Sustainable Development Studies and Monographs Series*, No. 5. Washington, D.C.: World Bank.
 35. UNCED (United Nations Conference on Environment and Development) (1992) Agenda 21, Report of the United Nations Conference on Environment and Development, Rio de Janeiro, 3-14 June 1992
 7. پرتال اداره کل حفاظت محیط زیست استان البرز (<http://alborz.doe.ir>).
 8. پرتال شهرداری قزوین (<http://www.qazvin.ir>).
 9. پرتال اداره کل حفاظت محیط زیست استان قزوین (<http://qazvindoe.ir>).
 10. وبگاه شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری ایران (<http://www.udro.org.ir>).
 11. Becker, Barbara. (1997). "Sustainability Assessment: A Review of Values, Concepts and Methodological Approaches", Consultative Group of International Agricultural Research. 1997, *Issues in agriculture* 10.
 12. Berke, Philip R. , Conroy, Maria Manta (2000). "Are we planning for sustainable development?", *Journal of the American Planning Association*. 66(1):21-33
 13. Bharat, Alka, Chawla, Chandan, (2007). "Urban Governance For Sustainable Development", Dept. of Architecture & Planning, M.A.N.I.T., Bhopal - 462007, India.
 14. Callens, Isabelle, Tyteca, Daniel. (1999) "Towards indicators of sustainable development for firms: A productive efficiency perspective", *Ecological Economics* 28:41-53.
 15. Campbell, Scott (1996), "Green Cities, Growing Cities, Just Cities? Urban Planning and the Contradictions of Sustainable Development", *Journal of the American Planning Association* 62(3):296-312.
 16. Coleman, James S. (1998). "Social Capital in the Creation of Human Capital", *The American Journal of Sociology*, 94: S95-S120
 17. Downer, Alexander. (2000) "Good Governance (Guiding principles for implementation)", Australia, Canberra Mailing Centre.
 18. Evans, Bob., Joas, Marko., Sundback, Susan., Theobald, Kate., (2005) "Governing Sustainable Cities", Earthscan, London, Sterling, VA.
 19. Gladwin, Thomas N., Kennelly, James J., Krause, Tara-Shelomith. (1995). "Shifting Paradigms for Sustainable Development: Implication for Management Theory and Research", *Academy of Management Review*, 20(4):874-907.
 20. Grootaert, Christiaan. (1998). "Social Capital: The Missing Link?", *The World Bank, Social Capital Initiative, Working Paper No. 3*, April.
 21. Kondyli, Julia. (2010), "Measurement and evaluation of sustainable development: A composite indicator for the islands of the North Aegean region", Greece, *Environmental Impact Assessment Review* 30:347-356
 22. Lsaksson, Raine, Garvare. (2003). "Measuring sustainable development using process models", *Managerial Auditing*

36. United Nations. (1996). "Commission on Sustainable Development", Economic and Social Council, Report on the Fourth Session, United Nations – New York.
37. Valentin, A., Spangenberg, J.J. (2000). "A guide to Community Sustainability Indicators". In Environmental Impact Assessment Review, no. 20: 381–392.
38. WCED (World Commission on Environment and Development). (1987). "Our Common Future (Brundlandt Report)", World Commission on Environment and Development, Oxford, Oxford University Press.



۱۴

شماره چهارم
پاییز ۱۳۹۱
فصلنامه
علمی-پژوهشی
مطالعات
پژوهشی

مقیاسه ظرفیت های اجتماعی و نهادی توسعه
پایدار در شهرهای کرج و قزوین